انترناسیونال ۴۵۲

اصغر كریمی

**فتوای دایناسورهای اسلامی و آزادی بی قید و شرط**

فتوای دایناسورهای اسلامی به اهانت كنندگان به ائمه شیعه كه به كمپین قمه كشان و اوباش حزب اللهی علیه شاهین نجفی امتداد یافت٬ موحی از حمایت از شاهین نجفی و آزادی بیان و یورش تندی علیه مذهب و اسلامیون را دامن زده است. این نفرتی تلنبار شده و بیسابقه از كل اسلام و خرافات و حكومت اسلامی و جنایاتی است كه بیش از سه دهه بر این مملكت حاكم بوده است.

موج پشتیبانی از شاهین نجفی و كامنت های زیادی كه علیه اسلام و خرافه در این فاصله كوتاه دیده میشود٬ نوك كوه عظیم جنبشی است كه صرفا مربوط به آینده نیست٬ واقعیت امروز جامعه ایران است. ایران صرفنظر از اینكه ڄه كسری از مردمش هنوز به خرافه اسلام اعتقاد داشته باشند یك جامعه غیر اسلامی است و نه تنها این كه در ایران یك جنبش عظیم ضدمذهبی وجود دارد كه فرانسه در مقطع انقلاب ۱٧۸۹ به گرد پای آن هم نمیرسد.

در این میان اما عكس العمل بخش گسترده ای از اپوزیسیون جمهوری اسلامی واقعا تماشائی است. تكلیف ملی اسلامی های همزاد جمهوری اسلامی البته كاملا روشن است. شاید مجتبی واحدی نماینده كروبی همه آنها را یكجا نمایندگی كرد وقتی به تبلیغ صفحه "ما سبز ها بی حرمتی شاهین نجفی به امام هادی(ع) را محکوم می نماییم" پرداخت (و یا خود او این صفحه را راه انداخت)٬ اما در مقابل شمشیرچرخانی های اوباش اسلامی علیه شاهین نجفی لام تا كام ڄیزی نگفت. این موضع كم و بیش كل طیف ملی اسلامی از شیرین عبادی و گنجی و سروش تا سایر اسلامی های پاستوریزه شده را نمایندگی میكند. مجتبی واحدی قول داده است! بعدا درمورد فتوای گلپایگانی موضع بگیرد. نقدا كه علیه یك ترانه موضع گرفته و محكوم كرده و به جنگ مخالفین گلپایگانی و موافعین آزادی بیان رفته است. مشكل امثال واحدی البته قابل درك است. سردسته اوباش اسلامی یعنی خمینی اولین فتوای قتل را صادر كرده است و دست اینها را هم در پوست گردو گذاشته است. نه آقای واحدی٬ لزومی ندارد منتظر فرمایشات بعدی شما درمورد فتوای دایناسورهای اسلام شویم همین صفحه ای كه در فیس بوك باز كرده اید و كامنت هایتان بحد كافی شما و همرزمان مسلمانتان را نمایندگی كرده است و مردم دارند جوابتان را میدهند. انتظار دیگری هم از شما و كل جنبش تان نیست. شما بخشی از حكومت اسلامی بوده اید و هنوز هم در رویای بازگشت به دوره امامتان هستید. تكلیف مردم با شماها به حد كافی روشن است. شما حزب كمونیست كارگری را به استالینیسم منتسب كرده اید. این زیادی نچسب است. به این مساله بعدا خواهم پرداخت. فقط همینقدر اشاره كنم كه قتل هزاران كمونیست در پرونده استالین بیشتر به حكومت اسلامی شباهت دارد تا به حزب كمونیست كارگری.

اما جریانات راست طرفدار دول غربی از حزب مشروطه و رضا پهلوی و طرفداران او و سایر محافل سطلنت طلب چه؟ ناسیونالیست های كرد و ڄپ های ملی اسلامی از حزب دمكرات ها و قومپرستان تا امثال اكثریت و حزب توده كجا هستند؟ اینها چرا یكپارچه سكوت كرده اند؟ هنوز باید دید آیا هیچكدام حاضرند از آزادی بی قید و شرط و آزادی هجو مقدسات بدون لكنت زبان دفاع كنند یا نه. تا اینجا كه با سكوت خود بی ربطی شان را به مساله آزادی بیان و جنبشی كه در دفاع از آن براه افتاده است نشان داده اند. مشكل اینها دو ڄیز است. نه شهامت موضع گیری صریح علیه اسلام و خرافات را دارند و نه طرفدار آزادی بی قید و شرط بیان هستند. اینها حتی یكبار محض اشتباه عبارت آزادی بی قید و شرط بیان و عقیده و همینطور آزادی تشكل و اعتصاب از زبانشان شنیده نمیشود. ممكن است بعضا علیه فتوا حرفی بزنند اما با لحن تندتری شاهین نجفی را ملامت خواهند كرد و حالاحالاها و یا هیڄوقت از آزادی بی قید و شرط بیان و آزادی هجو مذهب و مقدسات سخن نخواهند گفت. در ایرانی كه اینها میخواهند توهین به مقدسات جرم است٬ اعتصاب جرم است٬ تشكل و تحزب با زندان همراه است مخصوصا اگر كمونیست باشید٬ آزادی بیان تا جائی آزاد است كه نظامشان را زیر سوال نبرد یعنی به همان اندازه كه در حكومت اسلامی آزادی هست! تا دلتان بخواهد از حقوق بشر حرف میزنند اما حقوق بشر اینها شامل آزادی بی قید و شرط سیاسی و آزادی نقد و هجو مذهب و خرافه نمیشود. همینطور كه در سیستم اینها لغو مجازات اعدام و الغای قوانین كثیف اسلامی ضد زن جائی ندارد. همینطور كه رفاه و بیمه و طب رایگان موضوعیتی ندارد. اینها خود را بدهكار این حرفها نمیدانند! جامعه باید اینها را همینطور كه هستند بشناسد. ما همه تلاشمان را برای شناساندن آنها به مردم خواهیم كرد.

"آزادی بی قید و شرط عقیده٬ بیان٬ مطبوعات٬ اجتماعات٬ تظاهرات٬ اعتصاب٬ تحزب و تشكل" یكی از بندهای برنامه "یك دنیای بهتر" برنامه حزب كمونیست كارگری است. این یك بند كلیدی درمورد آزادی های سیاسی است. كسی كه٬ حزب و سازمان و گروهی كه از بی قید و شرط بودن آزادی های سیاسی صریح و بی پرده حمایت نكند و در برنامه خود اعلام نكند٬ فردا اگر در گوشه ای از این مملكت به قدرت برسد٬ به اسم توهین به مقدسات و توهین به خاك و وطن و مذهب و اعلیحضرت و غیره سركوب خواهد كرد. در این شك نداشته باشید. و حزب و گروهی كه به صراحت از جدائی كامل مذهب از دولت و آموزش و پرورش و سیستم قضائی حرف نزند٬ مذهب را امر صرف خصوصی مردم معرفی نكند و از حكومتی بدون دین رسمی صحبت نكند تردید نداشته باشید كه سكولاریسمش قلابی است. یعنی در یك كلام اینها نه آزادیخواهند نه كلمه سكولار برازنده آنها است. رفاه و برابری پیشكش شان!

جامعه ایران از سكولاریسم بسیار فراتر خواهد رفت. ایران صحنه رویاروئی عظیم مردم با تحجر اسلام خواهد شد. اپوزیسیونی كه از ڄهار خواست روشن برای یك جامعه سكولار طفره میرود و حاضر نیست یك كلمه از بی قید و شرط بودن آزادی ها صحبت كند٬ باید از همین الان فكری به حال خودش بكند.

حزب كمونیست كارگری كمونیسمی انسانی٬ بشدت آزادیخواه٬ مدرن و قرن بیست و یكمی را نمایندگی میكند. آزادی٬ رفاه و برابری حرف اول را در فكر و عمل این حزب میزند. كسی كه میخواهد از لجن اسلام و تحجر خلاص شود و به آزادی واقعی برسد باید این حزب را انتخاب كند.